

جمهوری آذربایجان از آتش تا تسلیم

علاءالدین ملک اف *

جمهوری آذربایجان از آتش تا تسلیم

اطلاعات عمومی و معرفی مختصر جمهوری آذربایجان:

نام رسمی: جمهوری آذربایجان.

نام: انگلیسی: AZERBAIJAN آذری: AZƏRBAYCAN.

علامت اختصاری بین‌المللی: AAZER i یا AZ.

پایتخت: باکو (۱,۸۰۰,۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰).

تاریخ استقلال از شوروی: اعلام ۱۹۹۱/۸/۳۰؛ اجرا ۱۹۹۱/۱۰/۱۸.

روز ملی: ۲۸ ماه مه (روز اعلام جمهوری در ۱۹۱۸ و سی ام اوت (روز استقلال)).

نوع حکومت: جمهوری فدرال چند حزبی با یک مجلس قانون‌گذاری، از سال ۱۹۹۵.

آرم:



پرچم:



* دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) تهران

قوه مقننه: قانون اساسی سال ۱۹۹۵؛ مجلس ملی با ۱۲۵ عضو به مدت پنج سال.
مساحت: ۸۶/۶۰۰ کیلو متر مربع (صدودوازدهمین کشور جهان به لحاظ اراضی).
جمعیت: ۸/۷۰۰/۰۰۰ نفر در سال ۲۰۰۰ (نودمین کشور جهان به لحاظ جمعیت).
تراکم جمعیت: ۸۸/۹ نفر در کیلومتر مربع.
نژاد: آذری (آذربایجانی) ۹۰٪؛ روس ۳٪؛ لزگی ۲٪؛ دیگر ملیت‌ها ۵٪.
دین: شیعه ۸۰٪؛ اهل تسنن ۱۰٪؛ ارتدوکس روسی ۲٪؛ دین‌ها و مذاهب دیگر ۸٪.
زبان: ترکی آذری (به عنوان زبان رسمی)، روسی، لزگی و تالشی.
خط: لاتین .
شهرهای مهم: سومقاییت (۲۵۰/۵۰۰ نفر)؛ گنجه (۲۹۵/۹۰۰ نفر)؛ مینگه چویر (۹۸/۵۰۰ نفر).
بنادر مهم: باکو و لنکران.
واحد پول: منات (MANAT)، ۱۰۰ منات = ۱۲۰ دلار.

سیر تاریخی جمهوری آذربایجان

الف - تاریخچه اجمالی آذربایجان قبل از اسلام

مورخان یونان باستان آذری‌ها را آلبانیایی می‌نامند از اقوام کهن ساکن قفقاز خاوری که در سده نهم پیش از میلاد در یکی از استان‌های تابع دولت باستانی ماد زندگی می‌کردند. سرزمین آذربایجان در روزگار امپراتوری هخامنشیان بخشی از ایران بود و زمانی که در سال ۳۲۸ پیش از میلاد امپراتوری هخامنشی به دست اسکندر مقدونی منقرض گردید، نام آذربایجان از آنورپات اقتباس شد و به وسیله مورخان یونانی در نوشته‌ها و متن‌های تاریخی منتشر گردید. پس از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی، تابعیت آذربایجان از ایران هم‌چنان ادامه یافت و پس از جانشینان اسکندر، اشکانی‌ها و ساسانیان نیز بر خطه آذربایجان حکم‌فرمایی داشتند. ناگفته نماند در آن زمان دین مردم آذربایجان زردشتی و مانی بوده است.

ب - تاریخچه اجمالی آذربایجان در زمان ورود اسلام

در سال ۶۴۲ بعد از میلاد، اعراب مسلمان، آذربایجان را تصرف کردند. مردمان آذربایجان در سال ۲۰ ق. اسلام آوردند و ظاهراً اولین والی اسلامی آذربایجان حذیفه بن الیمان بوده است که در سال ۲۲ ق. به این سمت منصوب گردیده است. بعدها در زمان حاکمیت و ولایت علی بن ابی

طالب عليه السلام اشعث بن قیس والی آذربایجان شد. در نهج البلاغه نامه‌ای از علی عليه السلام به اشعث با این مضمون وجود دارد:

«إلی الأشعث بن قیس عامل آذربایجان:

«وإن عملک لیس لک بطعمه ولا کنه فی عنقک أمانة و أنت مسترعی لمن فوقک. لیس لک أن تفتت فی رعیه و لا تخاطر إلا بوثیقہ و فی یدیک مال من مال الله عزوجل و أنت من خزانه، حتی تسلّمه إلی و لعلی ألا أکون شرّ ولا تک لک؛ همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن توست. باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی، توحق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی، در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه دار آنی تا به من بسپاری، امیدوارم برای تو زمامدار بدی نباشم.»

این نامه پس از جنگ جمل در شعبان سال ۳۶ ق. در شهر کوفه نوشته شده است. (نهج البلاغه،

نامه ۵، ص ۲۴۴).

طی سده‌های هفتم تا دهم میلادی، راه تجارته معروف و مهم آن زمان که اروپا را به آسیای شرقی متصل می‌کرد و به جاده ابریشم معروف می‌باشد، از این سرزمین عبور می‌کرد و به رونق اقتصادی آن کمک می‌نمود. از سال ۸۱۴ تا ۸۳۷ بابک خرم دین که اهل آذربایجان بود، علیه اعراب قیام کرد و سرزمین آذربایجان را در مدت کوتاهی از دست خلفای عباسی درآورد. از سده یازدهم تا چهاردهم میلادی، ترکان سلجوقی، آذربایجان و حوزه قفقاز را تصرف کرده و فرهنگ و زبان ترکی را در آن سرزمین به صورت گسترده رواج دادند.

ظاهراً مردم جمهوری آذربایجان در زمان حاکمیت پادشاهان صفویه شیعه شدند. تا آن زمان مردم آذربایجان سنی و حنفی مذهب بودند. (Azərbaycan 7-9 əsrlərdə, Ziya Bünyadov, Dövlət nəşriyyatı, Bakı, 1989, səh : 85)

ج - تاریخچه آذربایجان در سده‌های بعد از ورود اسلام

بین سده‌های پانزدهم و شانزدهم، دولت صفوی به دست شاه اسماعیل اول پایه‌گذاری شد و صفویان که آذری‌تبار بودند بر این خطه نیز حکم‌فرمایی کردند و آذربایجان را به یکی از مهم‌ترین استان‌های ایران تبدیل نمودند. طی سده‌های شانزدهم تا هجدهم، آذربایجان یا قفقاز خاوری صحنه زد و خورد‌ها و جنگ‌های مکرر بین ایران و عثمانی بود. (Azərbaycan 7-9 əsrlərdə, Ziya Bünyadov, Dövlət nəşriyyatı, Bakı, 1989, səh : 250)

پا به میدان گذاشت و به سوی جنوب دست‌اندازی نمود. تا این زمان، بیشتر خانات آذربایجان در تابعیت ایران قرار داشت، ولی در اوایل سده نوزدهم، روس‌ها که به نواحی در تصرف ایران تجاوز کرده بودند، با ایران به جنگ پرداختند و پس از دو جنگ بزرگ، بر اساس پیمان‌های گلستان در سال ۱۸۱۳ و ترکمنچای در سال ۱۸۲۸، آن قسمت از آذربایجان را که در شمال رود ارس قرار داشت به خاک خود ضمیمه نمودند.

تاریخچه کوتاه جمهوری آذربایجان

چنان‌چه گفته شد، در پی جنگی که در سال ۱۸۱۳ م. میان ایران و روسیه درگرفت آذربایجان به تصرف روس‌ها درآمد و معاهده گلستان در سال ۱۸۱۳ م. به این الحاق رسمیت بخشید و در سال ۱۸۲۸ پس از جنگ دو ساله میان ایران و روسیه نخچوان نیز به موجب عهدنامه ترکمنچای به روسیه ضمیمه شد.

با پیدا شدن منابع نفت در آذربایجان، موقعیت این سرزمین اهمیت یافت و در سال ۱۹۰۱ حزب ملی‌گرای مساوات پایه‌گذاری شد و در تابستان ۱۹۱۸ استقلال این کشور را اعلام نمود. استقلال آذربایجان بیش از دو سال دوام نیاورد، زیرا در اثر انقلاب اکتبر ولادیمیر ایلیچ لنین در روسیه، آذربایجان هم تحت تأثیر بلشویک‌ها قرار گرفت و به طور رسمی انقلاب را پذیرفته و به حاکمیت مارکسیستی تن داد. ارتش سرخ، باکو را تصرف کرد و آذربایجان را تحت کنترل شوروی درآورد و جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان را تشکیل داد. در سال ۱۹۲۲ همراه با ارمنستان و گرجستان، به طور مشترک جمهوری شوروی سوسیالیستی ماورای قفقاز را تشکیل دادند. در اوایل دهه ۱۹۲۰ تلاش‌های ملی‌گرایانه مردم آذربایجان، مسکو را بر آن داشت تا منطقه قره باغ را که قبلاً جزئی از خاک آذربایجان بود، به یک جمهوری خودمختار مبدل کند.

در دسامبر ۱۹۳۶ جمهوری شوروی سوسیالیستی ماورای قفقاز منحل شد و آذربایجان، با عنوان جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان، ضمیمه اتحاد شوروی شد.

بین سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۸۲ رهبری حزب کمونیست آذربایجان در دست حیدر علی‌اف قرار گرفت و موقعیت او مورد تأیید مسکو واقع شد. در سال ۱۹۸۶ هنگامی که میخائیل گورباچف رهبری اتحاد شوروی را در دست داشت و سیاست گلاسنوست و پروستروئیکا را اعلام نمود، اعتصابات و جنبش‌های سیاسی متعددی با رهبری جبهه خلق آذربایجان به وجود آمد و این

جبهه خواستار حقوق بیشتر مردم و انتخابات آزاد و استقلال اقتصادی شد و علاوه بر آن، در مقابل ادعای ارمنستان نسبت به قره باغ، ایستادگی و مخالفت کرد و منطقه مزبور را جزئی از آذربایجان دانست. به این ترتیب، دامنه اختلافات و زد و خورد میان آذربایجان و ارمنستان بالا گرفت تا حدی که در سال ۱۹۸۸ ارامنه شهرهای سومقاییت و باکو این شهرها را ترک کردند. به دنبال این امر، مبارزان آذری با ارامنه به جنگ و زد و خورد پرداختند و شورای عالی ارمنستان خواستار جدایی از آذربایجان و پیوستن به ارمنستان شد و در مقابل، شورای عالی آذربایجان نیز آن را به طور صریح رد کرده و غیر قانونی دانست و از سوی دیگر، ارمنستان، قره باغ را جزئی از خاک خود اعلام نمود.

جمهوری آذربایجان در سی ام اوت ۱۹۹۱ م. اعلام استقلال نمود. بعد از این تاریخ، در سال ۱۹۹۱ استقلال جمهوری آذربایجان به وسیله هیئت رئیسه اتحاد شوروی تصویب شد و سپس، در هجدهم اکتبر همان سال به استقلال کامل دست یافت و به دنبال آن، انتخابات ریاست جمهوری آذربایجان برگزار شد و حزب کمونیست منحل گردید و ایاز مطلب اف به ریاست جمهوری رسید. در ۲۲ دسامبر ۱۹۹۱ جمهوری آذربایجان در جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع پذیرفته شد و در دوم فوریه ۱۹۹۲ به عضویت سازمان ملل متحد درآمد. ضمن این که جنگ و زد و خوردها بین مبارزان مسلح ارمنی و آذری شدت یافت و ایاز مطلب اف از کار برکنار شده و یعقوب محمداف به جای او نشست.

در آوریل سال ۱۹۹۲ نبرد میان آذری‌ها و ارمنی‌ها دامنه وسیعی پیدا کرد و به نخجوان نیز کشیده شد. در مه ۱۹۹۲ پارلمان آذربایجان دوباره به روی کار آمدن ایاز مطلب اف را تأیید نمود و به این بهانه رهبران ملی و اعضای جبهه خلق، ساختمان پارلمان را محاصره کرده و خواستار برکناری مطلب اف شدند و سرانجام پس از دو روز تظاهرات و زد و خوردهای خیابانی مطلب اف بار دیگر برکنار شد و محمداف به ریاست جمهوری رسید.

در سال ۱۹۹۲ ابوالفضل ایلچی بیگ، رهبر جبهه خلق در انتخابات پیروز شد و به ریاست جمهوری رسید و در پی آن دامنه نبرد بین آذربایجان و ارمنستان گسترش یافت و ارامنه پیروزی‌هایی به دست آوردند. در همین زمان آذربایجان که به آمریکا و غرب نزدیک شده بود، از جامعه کشورهای مشترک‌المنافع خارج شد و الغبای لاتین را جای‌گزین الغبای سیریل کرد.

هم‌زمان با این تحولات، حیدر علی اف، رئیس شورای عالی نخجوان به ریاست مجلس ملی آذربایجان برگزیده شد و ابوالفضل ایلچی بیگ بر اثر فشارهای صورت حسین اف از ریاست جمهوری

کناره گرفت و به نخجوان گریخت و حیدر علی اف از سوی مجلس به طور موقت عهده‌دار ریاست جمهوری شد و صورت حسین اف را به نخست وزیری برگزید. در همه پرسی اکتبر سال ۱۹۹۳ حیدر علی اف به طور رسمی به ریاست جمهوری رسید و آذربایجان بار دیگر به عضویت جامعه کشورهای مشترک‌المنافع درآمد.

اختلاف بر سر مالکیت قره باغ که هم‌چنان به قوت خود باقی بود، پیروزی‌های بیشتری نصیب ارامنه کرد و تمام خاک قره باغ و حتی بخش‌هایی از سرزمین آذربایجان به تصرف ارامنه درآمد. اقداماتی که از طرف کشورهای مختلف و جوامع بین‌المللی صورت گرفته، تا کنون بی نتیجه مانده و بحران قره باغ آسیب‌های فراوانی بر اقتصاد کشور نوپای آذربایجان وارد ساخته است. (امیر احمدیان، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

منطقه خودمختار قره باغ کوهستانی

از سال ۱۹۱۸ مقامات بلشویکی مسکو بر این تصمیم مردّد بودند که منطقه ناگورنو قراباغ (قره باغ کوهستانی) که در دل جمهوری آذربایجان قرار دارد باید به جمهوری آذربایجان منضم شود و یا به کشور ارمنستان ملحق گردد. سرانجام در سال ۱۹۲۳ منطقه مزبور را به یکی از استان‌های جمهوری آذربایجان تبدیل نمودند و سال‌ها بعد اعتصاب عمومی سال ۱۹۸۸ اولین نشانه‌های بی‌ثباتی در این گوشه از خاک کشور اتحاد جماهیر شوروی را آشکار ساخت. در سال ۱۹۹۱ پارلمان محلی قره باغ کوهستانی نه تنها اعلام استقلال کرد، بلکه منطقه شائومیا را نیز ضمیمه خود نمود. سه ماه بعد اکثر جمعیت آن به استقلال کامل خود و جدا شدن از جمهوری آذربایجان رأی دادند و از آن به بعد میان ارامنه موجود در قره باغ که از سوی ارمنستان حمایت می‌شدند و جمهوری آذربایجان جنگ درگرفت که به کشته شدن ۴۶۰۰ ارمنی و حدود ۳۰/۰۰۰ آذربایجانی انجامید. (حافظزاده، ۱۳۸۱، ص ۲۵).

در سال ۱۹۹۴ آذربایجان و ارمنستان قراردادی برای متارکه جنگ منعقد کردند و طی آن قره باغ به یک جمهوری خودمختار داخلی مبدل گردید و در نخستین انتخابات سال ۱۹۹۶ روبرت کوچاریان به ریاست جمهوری قره باغ رسید. در سال ۱۹۹۷ کوچاریان به سمت نخست وزیری ارمنستان منصوب شد و قره باغ را به سوی ارمنستان ترک کرد.

از سال ۱۹۹۸ به بعد مسئله قره باغ کوهستانی یکی از مسائل سیاسی جمهوری آذربایجان را تشکیل داده و هنوز راه حل معقولی برای آن پیدا نشده است. (Qarabağ Mnüaқи şəsinin həlli)

(variantlar 1 : İdeyalar və reallıq, Əli Abbasov, Bakı, 2002, səh : 12)

موقعیت جغرافیایی و ژئوپلوتیکی جمهوری آذربایجان

کشور جمهوری آذربایجان در حوزه قفقاز (اتهای جنوب خاور اروپا) و در دامنه جنوبی کوه‌های قفقاز و ساحل غربی دریای خزر و به عبارت بهتر، در ساحل غربی دریای خزر و جنوب شرقی ناحیه قفقاز واقع شده است. پس از جدایی جمهوری آذربایجان از اتحاد جماهیر شوروی، در منابع مختلف، نسبت به موقعیت آن، تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد؛ برخی از منابع، این کشور را مانند گذشته جزء اروپا به حساب می‌آورند و برخی دیگر آن را جزئی از آسیا می‌دانند.

منطقه قفقاز از سه کشور تشکیل شده است که به ترتیب عبارت‌اند از:

۱- جمهوری آذربایجان؛

۲- جمهوری ارمنستان (بیش از ۹۵٪ جمعیت آن مسیحی می‌باشند)؛

۳- جمهوری گرجستان (اکثر جمعیت آن مسیحی و اقلیتی مسلمان هستند).

در این میان، تنها کشوری که اکثریت جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند جمهوری آذربایجان است.

جمهوری آذربایجان با پنج کشور هم مرز است:

۱- از شمال با روسیه؛ طول مرز: ۲۸۴ کیلومتر؛

۲- از شمال غربی با گرجستان؛ طول مرز: ۳۲۲ کیلومتر؛

۳- از جنوب با جمهوری اسلامی ایران؛ طول مرز: ۴۳۲ کیلومتر؛

۴- از غرب با ارمنستان؛ طول مرز: ۵۶۶ کیلومتر؛

۵- با ترکیه هم ۱۰ کیلومتر هم مرز است. (جمهوری آذربایجان، ۱۳۷۵، ص ۵).

ناگفته نماند که از زاویه دریای خزر با کشورهای ترکمنستان و قزاقستان هم هم مرز است.

مساحت جمهوری آذربایجان ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع است که از کشور سریلانکا بزرگ‌تر و

هم‌اندازه کشور پرتغال می‌باشد. (کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوری‌های بالتیک، ۱۳۷۴، ص ۱۴).

زبان رسمی جمهوری آذربایجان، آذری است و پایتخت این کشور شهر باکو است.

جمعیت جمهوری آذربایجان بر اساس آخرین آمار که در تاریخ ۱ آوریل ۲۰۰۴ در روزنامه ۵۲۵

آمده ۸/۳۹۰/۰۰۰ نفر می‌باشد.

این کشور از شمال به جمهوری فدراتیو روسیه، از شرق به دریای خزر، از جنوب به ایران و از غرب

به ارمنستان و گرجستان محدود است و ناحیه برون‌بومی نخجوان که دارای حکومت جمهوری

خودمختار است، با مساحت ۵۵۰۰ کیلومتر مربع میان ایران، ارمنستان و ترکیه قرار دارد.

نیمه شمالی و غربی این کشور را کوه‌های بلند قفقاز دربرگرفته که بلندترین نقطه آن به نام کوه بازاردوزو، در رشته کوه‌های قفقاز شمالی (مرز آذربایجان و روسیه)، ۴۴۶۶ متر ارتفاع دارد. دشت پهناور کورا (گُر) و هم‌چنین دشت مغان که از شمال غربی تا جنوب شرقی امتداد دارد، بخش عمده نواحی مرکزی و شرقی را زیر پوشش قرار داده و رودخانه کورا که از گرجستان وارد خاک این کشور می‌شود، دشت مزبور را درمی‌نوردد و پس از اتصال به رود ارس که مرز جنوبی این کشور با ایران را تشکیل می‌دهد، در نقطه‌ای از جلگه ساحلی که ارتفاع آن حدود ۲۸ متر پایین تر از سطح دریاست، به دریای خزر می‌ریزد. نواحی کوهستانی این کشور از جنگل پوشیده شده و نفت، گاز، مس، آهن و آلومینیوم از ذخایر طبیعی، و پنبه، غلات، توتون و چای از فراورده‌های عمده کشاورزی آن به شمار می‌رود. (انسکلویدی جامع آذربایجان، ۱۹۷۸، ص ۲۵۱).

اقلیم کشور آذربایجان در دشت‌های مرکزی و نواحی پست خاوری، خشک و نیمه گرمسیری، با زمستان‌های نسبتاً معتدل و تابستان‌های گرم و گاه مرطوب همراه است و نواحی کوهستانی دارای زمستان‌های پربرف و سرد و یخبندان می‌باشد. به طور کلی آذربایجان در بیشتر ایام سال از آب و هوای مطبوعی برخوردار است.

شهرهای بزرگ

- ۱- باکو: این شهر پایتخت جمهوری آذربایجان است و در جنوب غربی شبه جزیره آبشرون قرار دارد. در قدیم به «بادکوبه» مرسوم بوده، و در حال حاضر به آن باکو می‌گویند.
- ۲- گنجه: این شهر دومین شهر بزرگ آذربایجان و از مهم‌ترین مراکز فرهنگی و علمی این کشور است.
- ۳- نخجوان: این شهر مرکز خودمختار نخجوان بوده و در شمال دریاچه سد ارس، در مرز ایران واقع شده است. در منابع قدیمی از آن به نخچوان نیز یاد شده است.
- ۴- سومقائیط: این شهر در نزدیکی باکو قرار داشته و از مهم‌ترین مراکز صنعتی آذربایجان است. (کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوری‌های بالتیک، ص ۱۴۸-۱۴۹).

زبان و خط جمهوری آذربایجان

زبان رسمی مردم آذربایجان، یکی از شاخه‌های ترکی جنوب غربی است که توسط مردمانی که در کشورهای ترکیه، گرجستان، داغستان، ازبکستان، قزاقستان، اکراین، روسیه و ایران زندگی

می‌کنند، استفاده می‌شود. این زبان از زبان «اوگوز» (Oguz) آسیای مرکزی در قرن هفتم تا یازدهم ریشه می‌گیرد.

خط جمهوری آذربایجان در یک قرن چند بار دچار تحول شده است:

- ۱- تا سال ۱۹۲۹ خط عربی رایج بود؛
- ۲- از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۹ خط لاتینی رایج بود؛
- ۳- از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۹۲ خط کیریلی یا سیریلی رایج بود؛
- ۴- از سال ۱۹۹۲ به این طرف و در پی تصویب مجلس ملی جمهوری آذربایجان خط و الفبای لاتینی جای‌گزین الفبای سیریلی شد.

عضویت در سازمان‌های بین‌المللی

جمهوری آذربایجان بعد از استقلال، به عضویت بیشتر سازمان‌های بین‌المللی درآمده است، از جمله:

سازمان ملل متحد (۱۹۹۲)؛ کنفرانس اسلامی؛ اونکتاد؛ یونیسف؛ فائو، ایبرد؛ ایکائو؛ ایدا؛ ایفک؛ ایلو؛ ایمف؛ ایمو؛ ایتو؛ یونسکو؛ یونیدو؛ یوپو؛ وهو؛ ویپو؛ ومو؛ سازمان تجارت جهانی؛ ایدب؛ اکو؛ شورای اروپا؛ سیس؛ اوسه و ...

نقش عالمان دینی از زمان صفویه تا فروپاشی شوروی و تأثیرگذاری آنان بر جامعه شیعی جمهوری آذربایجان

فعالیت عالمان راستین دینی آذربایجان را از عصر صفوی تا روزگار کنونی در چند مرحله می‌توان بیان کرد:

مرحله اول: از زمان صفویه تا معاهده گلستان و ترکمنچای بین ایران و روسیه تزاری:

در این دوران با توجه به یک‌پارچگی سیاسی - جغرافیایی منطقه قفقاز با خاک ایران، روحانیون منطقه مانند سایر مناطق، به امر راهنمایی، هدایت و ارشاد دینی و معنوی مردم اشتغال داشته و با مراکز علمی (اصفهان، تبریز و نجف اشرف) در ارتباط بودند.

مرحله دوم: از زمان اشغال آذربایجان تا پایان حکومت تزاری، در سال ۱۹۱۷ م:

در این مرحله، روحانیون، محل مراجعه مردم مصیبت زده و محور فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی جامعه به شمار می‌آمدند و در بسیاری از نهضت‌ها و قیام‌های، محلی سرکردگی نظامی - معنوی

مبارزان را به عهده داشتند؛ برای نمونه، آنها در جنگ‌های مستمر با ارامنه متجاوز و قیام خانان طالش، رهبری مبارزات چندین ساله را به عهده داشتند.

مرحله سوم: از انقلاب بلشویکی تا فروپاشی شوروی (۱۹۱۷-۱۹۱۹م):

در این دوران، بزرگ‌ترین فاجعه برای جامعه روحانیت به وقوع پیوست. به واسطه رواج عقاید کمونیستی و ضد مذهبی توسط دولت، روحانیون در ابتدای کار قیام نمود و با انجام فعالیت‌های بسیار گسترده که با رهبری مجتهدان نجف دیده، صورت گرفت و نیز با صدور فتاوی دینی، بیشتر اقدامات کمونیستی حکومت را خنثی کردند. در آن زمان، با دستور لنین که به قدرت واقعی عالمان شیعه پی برده بود، سرکوب آنان شروع شد و بعدها توسط استالین به بدترین و وحشیانه‌ترین شکل ادامه یافت و طی آن، صدها نفر از رهبران دینی کشور به کمپ‌های سبیری تبعید و در آن‌جا به کارهای اجباری وادار گردیدند و تقریباً هیچ کس از این افراد زنده بازنگشت. این، علاوه بر اعدام‌های دسته جمعی و ترورهای شبانه بود که توسط جوخه‌های سرکوب دولت صورت می‌گرفت. پس از مرگ استالین و تا زمان فروپاشی شوروی وضعیت بهبود پیدا کرد و این در حالی بود که دیگر روحانی مبارز و فعالی باقی نمانده بود تا هدف دولت کمونیستی قرار گیرد.

مرحله چهارم: بعد از فروپاشی شوروی سابق:

در این مقطع، روحانیون سنتی که چندان از سواد علمی و تقوای معنوی بهره‌ای ندارند فعال شده و با ایجاد برخی مراکز علمی، به حیات خود در لباس جدید ادامه می‌دهند. از طرفی ده‌ها نفر از جوانان متدین و مشتاق، برای فراگیری علوم اهل بیت (علیهم‌السلام) به ایران و سوریه رهسپار شده و بخشی از آنها پس از سپری ساختن دوره‌های آموزشی به کشور خود بازگشته‌اند، که از میان آنان برخی به امر تبلیغ و تدریس معارف دینی اشتغال دارند و چشم امید مردم، به طلابی است که در حال حاضر به تحصیل مشغول هستند، تا پس از بازگشت، با تشکیل مراکز و گروه‌های هم‌دل و هم‌فکر، به ایفای نقش تاریخی خود بپردازند.

علمای شیعی آذربایجان

جمهوری آذربایجان که یکی از مناطق مهم شیعه نشین در جهان اسلام به شمار می‌آید، علما و مراجع زیادی را به جهان علمی اسلام معرفی نموده است. علمای آذربایجان در خارج کشور خود هم مشهور می‌باشند، به طوری که در عراق، ایران، سوریه، عربستان سعودی و... حتی علاوه بر تدریس دروس عالی اسلامی و تربیت شاگردان زیاد، برخی از آنها مرجعیت شیعه را هم بر عهده گرفته‌اند. آنها

علاوه بر این که در کشور خود مدارسی را تأسیس نموده‌اند، در کشورهایی مثل عراق و ایران، حوزه‌های علمیه و مساجدی را بنا کرده‌اند که الآن هم باقی است.

بین علمایی که صاحب اجتهاد و مقامات علمی بوده‌اند، افرادی هم با اشغال‌گران روس جنگیده و شهید شده‌اند.^۱ برخی از آنها توسط بلشویک‌های شوروی شهید شدند. مقام علمی علما و فضایی جمهوری آذربایجان در حوزه نجف همیشه قابل تقدیر و زهد و اخلاق و علم آنان زمانی ورد زبان‌ها بوده است.

تعداد علمای جمهوری آذربایجان را از پنجاه تا ۱۲۰ نفر ذکر کرده‌اند، که در ذیل اسامی برخی از آنها بیان می‌شود:

آیت‌الله العظمی محمد باقر سلیمانی؛ آیت‌الله العظمی شیخ عبدالغنی بادکوبه‌ای؛ آیت‌الله العظمی شیخ محمد صادق بردیگانی؛ آیت‌الله العظمی شیخ فاضل لنکرانی؛ آیت‌الله العظمی شیخ محمد علی نخجوانی؛ آیت‌الله العظمی شیخ محمد ایروانی؛ آیت‌الله العظمی شیخ عبدالقاسم نجفی؛ آیت‌الله العظمی میرزا فضل علی مجتهد ایروانی؛ آیت‌الله العظمی شیخ عبد القاسم اردوبادی؛ آیت‌الله العظمی شیخ عبدالحسین لنکرانی؛ آیت‌الله العظمی شیخ ابراهیم شیروانی؛ آیت‌الله العظمی شیخ صدرالدین بادکوبه‌ای؛ آیت‌الله العظمی شیخ ملا آقا عابدین رمضان دربندی؛ آیت‌الله العظمی شیخ عبدالعظیم بادکوبه‌ای؛ آیت‌الله العظمی شیخ احمد پایانی؛ آیت‌الله العظمی محمد حسن قره‌باغی؛ آیت‌الله

العظمی محمد شریف اردوبادی نجفی، و... (Azərbaycan alimləri, Faiyq vəliyev, Əhli beyt) ... (nəşriyyatı, ilkin çap, 2002, səh 12-16)

در این جا به صورت مختصر به زندگی چند تن از این علما اشاره می‌شود:

۱- آیت‌الله العظمی شیخ محمد فاضل لنکرانی

پدرش شیخ فاضل لنکرانی قفقازی، اهل ایالت لنکران جمهوری آذربایجان، استان ماسالی کنونی روستای ارکیوان بود و در نجف اشرف تحصیل کرده بود. وی از دست بلشویک‌های شوروی به ایران فرار کرد و از این رو حضرت آیت‌الله العظمی محمد فاضل لنکرانی در قم به دنیا آمده است.

۲- آیت‌الله العظمی شیخ عبدالغنی بادکوبه‌ای

این عالم ربانی صاحب رساله بوده و در زمان خود از مراجع به شمار می‌آمد و یکی از مؤسسان مدرسه بادکوبه‌ای‌ها در کشور عراق می‌باشد. او درباره جهاد علیه اشغال‌گران روسی معروف است. وی

۱- فتاوی جهاد علمای آذربایجان در برابر روس‌ها در کتاب‌های مشهور تاریخی ثبت شده است.

در سال ۱۹۳۲م. با دوستان روحانی خود ملا حسین رامیانی و ملا کامیاب در زندان بلشویک‌های روس به شهادت رسید.

۳- آیت‌الله العظمی شیخ محمد علی نخجوانی

وی مرجع شیعیان آذری بود و در نجف تحصیل کرده و امام جماعت حرم حضرت علی (ع) بود. او محبوب شیخ انصاری بوده و از او بهره‌های زیادی برده بود. طلاب شیخ محمد علی نخجوانی که در مدرسه خصوصی او در نجف تربیت یافته بودند از بزرگان زمان خودشان به حساب می‌آمدند. بعضی از کتاب‌های وی عبارت است از: هفت جلد حاشیه بر «متاجر» شیخ انصاری؛ خیار عیب؛ شرایع الاسلام؛ شرح بر کتاب طهارت و...

وی در سال ۱۹۱۶م. در کربلا از دنیا رفت.

۴- آیت‌الله العظمی میرزا علی ایروانی نجفی

وی فرزند آیت‌الله العظمی شیخ عبدالحسین ایروانی است. عموی او آیت‌الله العظمی محمد فاضل ایروانی^۱ از مراجع بزرگ دنیای اسلام بوده است. ایشان دارای ده‌ها کتاب فقهی است.

۵- آیت‌الله العظمی شیخ مجتبی حاتمی لنکرانی نجفی

شیخ مجتبی دارای شهرت زیادی در بین علمای نجف بود و حتی آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی نیز برای روایت حدیث از ایشان اجازه گرفته بود. (مراغی، ج ۱، ص ۴۲۳ و ج ۶، ص ۲۸۷). وی در شهر قم و در حرم حضرت فاطمه معصومه (ع) مدفون است.

شعرای جمهوری آذربایجان

در سرزمین جمهوری آذربایجان شعرای مشهور و دارای عظمت علمی و مذهبی زیادی بوده‌اند که الآن هم مردم این کشور به آنان افتخار می‌کنند. ارزش‌های دینی با اشعار و آثار نظمی این شعرا عجین شده است. آثار نظمی شعرای جمهوری آذربایجان را تا قرن نوزدهم اصلاً نمی‌توان بدون تأثیر مذهب شیعه در آن، تصور کرد. در این‌جا به بعضی از شعرا و نویسندگان شیعه آذربایجان که از قرن دوازدهم به بعد زندگی می‌کردند و در نوشته‌های خود به مدح مذهب خویش پرداخته‌اند، اشاره می‌شود: ابوالعلاء گنجوی؛ فلکی شیروانی؛ افضل الدین خاقانی؛ محمد فضولی؛ مستعلی شیروانی؛ مسحتی

۱ شیخ محمد فاضل ایروانی مقلدانی در کشورهای هند، ترکیه، قفقاز، ایران، سوریه، عراق و... داشته است. شهرت او آن قدر بود که حضرت آیت‌الله مامقانی در جواب سؤالات شرعی مقلدین خود می‌گفت: «تا وقتی که ایروانی زنده است از ما حکم شرعی نپرسید، این کار جایز نیست، بروید از او سؤال کنید». (مراغی، ص ۱۸۲).

گنجوی؛ ملا پناه واقف؛ عباس علی باکی خان اف؛ کربلایی والح؛ قاسم بی ذاکر؛ عمادالدین نسیمی؛
ملا قدیر شیروانی ناجی؛ محمد سعید اردوبادی؛ خورشید بانو ناتوان و...

در ذیل، به صورت اجمالی به زندگی چند تن از این شاعران پرداخته می‌شود:

۱- ملا محمد فضولی (۱۴۹۴-۱۵۵۶)

پدر ملا محمد فضولی در دوران تیمور لنگ از ستم و ظلم او از آذربایجان به حله (حوالی کربلا و بغداد) رفته و ملا محمد در آن جا به دنیا آمد. محمد فضولی حکیم و شاعر بزرگی بود و آثار خود را به سه زبان عربی، فارسی و آذری نوشته است. او در شعر آذربایجان جایگاه بزرگی دارد. آثار این عالم و شاعر در باب اهل بیت علیهم‌السلام بی نظیر و پرمحتواست. (Azərbaycan ədəbiyyatı, Firudin köçərli,)

(Azərənə şır nəşriyyatı, ilkin çap, 1961, səh 31

۲- عمادالدین نسیمی (۱۳۶۹-۱۴۱۷)

این عارف و شاعر آذری در شهر شاماخی به دنیا آمده است و به ترکیه، سوریه و عراق سفر کرده است. او از افکار حروفی‌گری فضل الله نعیمی متأثر شده و به صوفی‌گری تمایل داشته است. اشعار و نوشته‌های او شاهد بر این است که وی شیعه بوده است. (Azərbaycan ədəbiyyatı, Firudin

(köçərli, Azərənə şır nəşriyyatı, ilkin çap, 1961, səh 142

۳- سید عظیم شیروانی (۱۸۳۵-۱۸۸۸)

سید عظیم شیروانی، عالم، ادیب، شاعر و متفکر بزرگ آذری است. او اشعار زیادی در مذمت اختلاف مذهبی و عدم وحدت مسلمین سروده است. می‌توان گفت شعرهای عرفانی وی در نظم آذری بی‌نظیر است. سید عظیم همیشه بدعت‌های دینی و بی‌بندوباری‌های روحانی نماها را نقد و مسخره می‌کرد. حتی از حجوهای وی که درباره روحانیان بی‌عمل نوشته بود، کمونیست‌های شوروی سوءاستفاده کرده و او را یک شاعر بی‌دین و ماتریالیست نامیدند، ولی حقیقت عکس این بود. وی در نجف تحصیل کرده بود و اهل عمل بود. شعرهای او بر این مطلب گواه است، از جمله:

ای دل غم مخور که پناه فقرا ولی الحق، علی المرتضی است
برس بر فریادم، ای شاه خبیر که سید، یک غلام رو سیاه است

(Azərbaycan ədəbiyyatı, Firudin köçərli, Azərənə şır nəşriyyatı, ilkin çap, 1961, səh 71)

۴- خورشید بانو ناتوان (۱۸۳۰-۱۸۹۷)

او عالمه و شاعره‌ای از سرزمین قره باغ و عاشق اهل بیت علیهم‌السلام بود. شعرهای وی از نظر ادبی بی‌نظیر است. او حتی این سروده خود را بر مهر انگشتر خود حک کرده بود:

امید است نشیند با فرشته زانو به زانو کنیز فاطمه (س) خورشید بانو
Azərbaycan ədəbiyyatı, Firudin köçərli, Azərənə şər nəşriyyatı, ilkin çap, 1961, səh 156

فرهنگ، دین و مذهب مردم آذربایجان در زمان حاکمیت شوروی

در شوروی شئون دینی زیر نظر چهار مرکز مستقل اداره می‌شد:

- ۱- شورای مذهبی اسلامی در سراسر جمهوری‌های اشتراکی اتحاد جماهیر شوروی که مقر آن شهر آوا بود؛
- ۲- شورای مذهبی اسلامی آسیای میانه و قزاقستان که امور دینی مسلمانان ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و قزاقستان را اداره می‌کرد؛
- ۳- شورای مذهبی اسلامی شمال قفقاز و داغستان. این مرکز در منچ قلعہ واقع است.
- ۴- شورای مذهبی مرکز اسلامی ماورای قفقاز (Muslim Board of Transcaucasia) که مقر آن در باکوست و شئون دینی مسلمانان شیعه و سنی آذربایجان، گرجستان و ارمنستان را رسیدگی می‌کند. (مرغی، ص ۱۴).

در سال ۱۹۷۸ ریاست مرکز اسلامی ماورای قفقاز را شیخ الاسلام علی آقا سلیمان بر عهده داشت. وی در سن ۹۳ سالگی درگذشت. جانشین او شیخ الاسلام میر غضنفر ابراهیم اف نیز در فاصله کوتاهی درگذشت. از آن تاریخ تا الآن ریاست آن مرکز به عهده شیخ الاسلام حاجی الله شوکور پاشایف، معروف به پاشازاده، است که در ۳۱ سالگی و در سال ۱۹۸۰ به این سمت انتخاب شد. پاشازاده یکی از اولین فارغ التحصیلان مدارس مذهبی تاشکند است. وی شیعه بوده و اهل منطقه لنکران جمهوری آذربایجان می‌باشد. قائم مقام وی، حاج اسماعیل احمداف که در سال ۱۹۷۶ انتخاب شده سنی مذهب است. بخش بین‌المللی این مرکز از سال ۱۹۷۸ به طور مستقل تحت سرپرستی صابر حسن اف آغاز به کار کرده است.

جمهوری آذربایجان یکی از مراکز مهم اسلامی در سالیان قدیم بوده و از میراث درخشان معماری و هنر اسلامی برخوردار است. در جمهوری آذربایجان بیش از ۵۰۰۰ مکان و مسجد با معماری اسلامی وجود دارد. بیش از ۹۵٪ مردم آذربایجان مسلمان هستند و به اهل بیت علیهم‌السلام ابراز علاقه و محبت می‌کنند (فدروویچ، ۱۳۷۵، ص ۴۳).

مساجد جمهوری آذربایجان به کمک‌های مردمی متکی است. در شهر باکو مسجد جمعه شیعیان تازه پیر (Tazapir) و مسجد جمعه اهل تسنن اژدربیک (Azhdarbey (əjdərbəy))

یکدیگر جدا می‌باشد، ولی بسیاری از مساجد کوچک‌تر به طور مشترک مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جایگاه دین در آذربایجان

دین رسمی و ملی جمهوری آذربایجان اسلام می‌باشد و رنگ سبز نماد این دین در پرچم این کشور می‌باشد. دین از سیاست تفکیک شده است. از نظر قانون، روحانی نمی‌تواند فرماندار، نماینده مجلس، شهردار و استاندار باشد بلکه وظیفه او فقط برآورده ساختن نیازهای دینی و معنوی مردم است. هم‌چنین، روحانی به طور مستقیم حق دخالت مذهبی در سیاست ندارد. هر تبعه آذربایجانی می‌تواند هر دینی را که می‌خواهد، برگزیند و آیین‌های مذهبی همان دین را به طور آزاد اجرا نماید. کسی حق ندارد دیگری را به خاطر پذیرش هر دین و مذهب دیگر آزار و اذیت نماید. حق تبلیغ در مجامع عمومی و مراکز اجتماعی کشور فقط اختصاص به دین اسلام دارد. (Azərbaycan Respublikasının konstitusiyası, Azərbaycan nəşriyyatı, Bakı, ilkin çap, 1997, 47 ci maddə, səh 14).

مشهورترین زیارتگاه‌ها

۱- حرم مطهر خواهر امام رضا علیه السلام حکیمه خاتون (زیارتگاه بی‌بی هیبت). این زیارتگاه در شیخ اف در ورودی باکو قرار دارد. بنابر روایت موجود در بحارالانوار، چهار نفر از اولاد امام رضا علیه السلام در آن جا دفن شده‌اند. (بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۳۱۷) در حال حاضر، مسجد بزرگی در کنار آن بنا شده است که پنج کیلومتر با دریای خزر فاصله دارد. این مسجد در قرن سیزدهم ساخته شده و در سال ۱۹۹۹ بازسازی شده است.

۲- حرم مطهر خواهر امام رضا علیه السلام سکینه خاتون (زیارتگاه ناردالان).

این زیارتگاه بزرگ در یک محله شیعه‌نشین باکو قرار دارد.

۳- زیارتگاه پسر امام صادق علیه السلام به نام ابراهیم، در شهر گنجه.

این زیارتگاه دارای مسجد بزرگی است که بسیار قدیمی است.

نورسی‌ها

در آذربایجان، مذاهب و مسالک و آیین‌های مختلفی فعالیت دارند که بخشی از آنها بومی منطقه بوده و برخی دیگر از جاهای مختلف به این کشور وارد شده است.

طریقه نوری که به بدیع الزمان سعید نوری منسوب است، اعتقاد عمیقی به فعالیت‌های آموزشی و علمی برای تحوّل جامعه دارد، به طوری که بدیع الزمان سعید نوری فعالیت خود را با برنامه ریزی در جهت ایجاد دانشگاه سبیه الأزهر در شهر وان ترکیه آغاز کرد. بعد از مرگ وی، پیروان او در همان مسیری که او پیموده بود قدم گذاشتند. موفق‌ترین آنها فتح‌الله گولن بود. به عقیده وی در سطح جهان باید نسل طلایی آفریده شود؛ نسلی که به اوصاف پیامبر ﷺ متصف است. آنها برای تحقق این پروژه در سطح جهان تعداد ۱۸۲ مدرسه، ۳۰۰ کالج و ۲۴۰ خوابگاه دانشجویی تأسیس کردند. در دومین مرحله، پروژه انتقال خدمات آموزشی و تبلیغی به خارج از ترکیه شروع شد و آنها موفق شدند در ۵۲ کشور جهان مؤسسات آموزشی افتتاح نمایند.

فتح‌الله گولن در مورد فرستادن مبلغین نوری به جمهوری آذربایجان می‌گوید: «دوستانم حاجی کمال اریمز، سعادت‌الدین باشر و خالداسن دیر را وقتی به جمهوری آذربایجان اعزام نمودیم که خیابان‌های آذربایجان را تانک‌ها اشغال کرده بودند. ترانه خوش استقلال آذربایجان از پشت میله‌های آهنین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به گوش می‌رسید و امکان مواجهه خطرات جاری و جانی بود و احتمال زیر تانک‌های روسیه له شدن و مرگ آنها همانند آذری‌ها وجود داشت. ولی در آن شرایط پیشنهاد افتتاح مدرسه به آذری‌ها و قبول کردن و شادی آنان ما را به تحرک بیشتر واداشت. هدف ما تأسیس مکانی در خارج از کشور جهت تعلیم و تربیت و ارائه خدمات آموزشی قبل از دیگران و نیز پر کردن این خلأ قبل از ایران و توران بود. آذری‌ها بیش از انتظار ما علاقه و توجه ابراز کردند و ما هم الحق تلاش غیر قابل وصف ارائه دادیم». (مجله آفاق، شماره ۳، ص ۲۷).

نورسی‌ها در جمهوری آذربایجان به دو شکل مختلف تبلیغ می‌کنند:

۱- ساخت کالج‌ها و تدریس در آنها؛

۲- تبلیغ در خانه‌ها.

کالج‌های رسمی نورسی‌ها در جمهوری آذربایجان به ده کالج رسیده است. البته یک دانشگاه به نام «دانشگاه قفقاز» هم منتسب به نورسی‌ها است. همه این کالج و دانشگاه‌ها از سوی شرکت آموزشی چاغ احداث شده است. هم‌اکنون در مدارس و کالج‌های نورسی در جمهوری آذربایجان ۱۸۳۰ دانش‌پژوه تحصیل می‌کنند. دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه قفقاز حدود ۲۰۰۰ نفر می‌باشند. البته باید اضافه نمود که روز به روز دانشجویان این دانشگاه زیاد می‌گردد.

نورسی‌ها در شهرهای بزرگ جمهوری آذربایجان در هر شهر یا استانی یک خانه وسیع را به تبلیغ جوانان اختصاص داده و آنها را به این خانه‌ها دعوت می‌کنند. اما هدف آنها این است که مردم

آشنایی عمومی با آئین نورسی پیدا کنند. مردم از تمام سنین به این خانه‌ها رفت و آمد می‌کنند، به خصوص اشخاصی که خانه‌هایشان در کنار خانه‌های نورسی‌هاست. کلیات کتاب‌های بدیع الزمان سعید نورسی را به نام «رساله نور» در دوازده مجلد جمع‌آوری کرده‌اند که با کیفیت خیلی عالی به چاپ رسیده است.

مدرسه‌های امام خطیب

این مدارس از طرف ترکیه اداره می‌شود. مدرسه‌های امام خطیب از سال ۱۹۴۹م. در ترکیه با هدف تربیت ائمه و خطبای دینی دولتی شروع به فعالیت نمود. در این مدرسه‌ها دروس عربی، قرآن، تفسیر، حدیث، تاریخ اسلام، و فن سخنوری تدریس می‌شود. این نوع مدارس با استقبال چشم‌گیری به خصوص از جانب دانشگاهیان رو به روست. این مدارس در دو شهر بزرگ جمهوری آذربایجان، یعنی باکو و سومقائیت، دایر شده و هر ساله پذیرش دارد. مدت دوره آن نیز چهار سال می‌باشد. اشخاصی که از این مدرسه‌ها با نمرات عالی فارغ‌التحصیل می‌شوند می‌توانند در آکادمی‌های ترکیه ادامه تحصیل دهند.

ادیان و مذاهب مختلف غیر اسلامی در جمهوری آذربایجان

الف - مسیحیان و یهودیان در جمهوری آذربایجان:

دین مسیحیت به لحاظ تعداد پیروانش دومین دین موجود در جمهوری آذربایجان است. مذهب ارتدکس روسی از دین مسیحیت ۵/۲٪ و مذهب ارتدکس ارمنی ۳/۲٪ طرفدار دارد. مسیحیان بیشتر در شهر باکو و مرزهای آذربایجان با روسیه ساکن می‌باشند.

آنها از گروه‌های فعال و سازمان‌یافته در آذربایجان هستند. تاکنون، مسیحیان حدود ده مرکز عبادی را تأسیس کرده‌اند و تبلیغات وسیعی در قالب چاپ انجیل و بروشورهای تبلیغاتی جذاب و رایگان توسط آنها صورت می‌گیرد، و کسانی را که نسبت به تحصیلات دینی، تمایل داشته باشند، به واتیکان، اروپا و آمریکا می‌فرستند، هر چند با توجه به بافت اسلامی مردم، چندان جایگاه فعال و جدی ندارند. بیشتر افراد جذب شده، از آذری‌های روسی زبان بوده و مطابق آمار ارائه شده از سوی مجله قطب، تاکنون ۱۰۰۰۰ نفر غسل تعمید داده شده‌اند. آنها در روند فعالیت‌های خود، در مرکز شهر باکو پایگاه بزرگی به نام «کلیسای محبت» ساخته‌اند. (مجله افول، ۱۳ آبان، ص ۵۴).

سومین دین از نظر تعداد پیروان آن، دین یهود است که ۸/۱٪ جمعیت جمهوری آذربایجان را

به خود اختصاص داده است. در حدود سال‌های ۱۹۴۹-۱۹۵۰ یهودی‌ها از آذربایجان به اسرائیل فعلی کوچ کردند. بعد از این هجرت، جمعیت یهودیان آذربایجان بسیار کم شده است. منطقه یهودی‌نشین، بین مرز آذربایجان با روسیه قرار دارد و بیشتر یهودیان در شهر زاقاتالا سکونت دارند. (آکینر، ص ۳۵).

ب - ک‌ریشناها:

جمعیت ک‌ریشنا در جمهوری آذربایجان بعد از استقلال این کشور و به تازگی پدید آمده است، اما به عنوان یک اقلیت، به رسمیت شناخته شده است. مبلغان ک‌ریشنا در دو شهر بزرگ آذربایجان، یعنی باکو و زاقاتالا، مدرس دارند و عقاید خود را به مردم مسلمان تحمیل می‌کنند.

سازمان‌ها، نهادها، مراکز و مؤسسات فرهنگی، آموزشی، مذهبی و پژوهشی جمهوری آذربایجان

دانشگاه‌های اسلامی:

- ۱- دانشگاه اسلامی باکو؛
 - ۲- دانشگاه اسلامی سومقائیت؛
 - ۳- رشته الهیات اسلامی دانشگاه دولتی باکو.
- دانشگاه اسلامی باکو: این مرکز علمی که توسط اداره روحانیت قفقاز اداره می‌شود، با برنامه ریزی دولتی و نفوذ سازمان ک.گ.ب راه‌اندازی شده است. در حال حاضر ۳۰۰ دانشجو در این دانشگاه به تحصیل مشغول می‌باشند.
- دانشکده حاج میر عزیز زاده: مرکزی دولتی جهت تربیت معلمان دینی که حدود ۲۰۰ دانشجو در آن به تحصیل اشتغال دارند.
- هسته‌های آموزشی کوچک: این هسته‌ها در مساجد، حسینیه‌ها و تکایا مستقر بوده و در آنها، جوانان متدین و برخی فارغ التحصیلان مرکز جهانی علوم اسلامی، قرآن، احکام شرعی و برخی معارف دینی را برای دوستان اهل بیت علیهم‌السلام تدریس می‌کنند. این جلسات یکی از نقاط قوت تشیع در آذربایجان به شمار می‌رود که اگر نوسازی ساختاری و روش شناسی آموزشی نشود، از بین خواهد رفت. این نوع مجالس و محافل به شدت تحت نظارت و کنترل دولت قرار دارد.
- دانشکده الهیات: این دانشکده وابسته به دانشگاه باکو می‌باشد که توسط ترکیه‌ای‌ها راه‌اندازی

شده و در مقطع کارشناسی دانشجوی می‌پذیرد و هر سال بیش از پنجاه نفر در رشته الهیات فارغ‌التحصیل به جامعه شیعه آذربایجان تحویل می‌دهد. از میان آنها ۱۰٪ از دانشجویان زبده و نخبه برای ادامه تحصیل به ترکیه فرستاده می‌شوند، تا پس از اخذ مدرک دکتری به آذربایجان بازگشته و در مناصب مهم حکومتی که با هماهنگی دولت و مقامات ارشد از پیش آماده شده، به اشاعه دیدگاه‌های اهل سنت مشغول شوند.

- ده‌ها دبیرستان و کالج تحصیلی در شهرهای بزرگ این کشور، که بر اساس قوانین داخلی آذربایجان تأسیس شده و به جذب دانش‌آموزان نخبه، تیزهوش و مستعد آذری و پرورش آنها در تمام مقاطع آموزشی و ارائه مدرک رسمی دولتی به آنها می‌پردازند.

- مدارس پنج‌گانه آموزشی، که در میانه سال‌های ۱۹۹۴-۲۰۰۱ در شهرهای ناردالان، جلیل آباد، مسالی، گوی چای (شیروان) و باکو توسط ایران تأسیس و بعد از واقعه یازده سپتامبر تعطیل گردید.

سازمان‌ها، نهادها و مؤسسات نسبتاً قدرتمند و گسترده

مرکز بررسی‌های اسلامی (باکو)؛ دعوت به صفای معنوی (باکو)؛ هیئت جعفری (باکو)؛ گروه اکمال (باکو)؛ قلم (باکو)؛ جمعیت صاحب الزمان (باکو)؛ گروه ادراک (باکو)؛ گروه چراغ هدایت (باکو)؛ جمعیت اتحاد اسلام (باکو)، و...

در جمهوری آذربایجان ۳۹ حزب رسمی وجود دارد. حزبی که با تمایل دینی فعالیت می‌کند حزب اسلام است.

مجلات دینی عبارت است از: صفای معنوی (دعوت به صفای معنوی)؛ فطرت (گروه چراغ هدایت)؛ قلم؛ حکمت؛ قطب (مرکز بررسی‌های اسلامی)؛ دنیای سبز (ویژه کودکان)؛ امید آخر؛ مدرسه و...

- سازمان دولتی نظارت‌کننده بر نهادهای دینی. (The state Committee of Azerbaijan for the work with Religious Associations)

این سازمان به دستور شماره ۵۰۲ حیدر علی‌اف بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر در ۲۱/۶/۲۰۰۱ م. به طور رسمی فعالیت خود را شروع نمود. (مجله سازمان دولتی نظارت‌کننده بر نهادهای دینی، ص ۳). می‌توان گفت این سازمان نقش وزارت دیانت ترکیه را در جمهوری آذربایجان دارد. وظیفه این سازمان این است که همه مؤسسات مذهبی - دینی در زیر کنترل خود نگه دارد. همه مراکز دینی - مذهبی موظف‌اند اساسنامه و آئین‌نامه خود را به تأیید این سازمان برسانند.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن
 - ۲- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات اسوه، قم، چاپ اول، ۱۳۸۲.
 - ۳- آکینر، شرین، اقوام مسلمانان اتحاد شوروی، ترجمه علی خزاعی فر، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
 - ۴- امیر احمدیان، بهرام، بررسی کشورشناسی جمهوری آذربایجان، چاپ اول، انتشارات جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
 - ۵- انسکلوپدی جامع آذربایجان، چاپ اول، ج ۲، ۱۹۷۸.
 - ۶- بردیایف، منابع کمونیسم روسی و مفهوم آن، ترجمه عنایت الله رضا، انتشارات ایران زمین، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۰ ش.
 - ۷- بنیگسن، الکساندر و براکس آپ، مری، مسلمانان شوروی، گذشته، حال و آینده، ترجمه کاوه بیات، دفتر نشر فرهنگی اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ش.
 - ۸- جمهوری آذربایجان، دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
 - ۹- حافظزاده، محمد، قره باغ، انتشارات نوید اسلام، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.
 - ۱۰- حسن اف، زاتور، سکیف‌های امپراطور، ترجمه رضا جلیلی‌نیا، نشر نوید اسلام، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
 - ۱۱- فدروویچ، ولادیمیر، تاریخ شیروان و دربند، ترجمه محسن خادم، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
 - ۱۲- کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوری‌های بالتیک، تهیه و تدوین گیتاشناسی ایران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
 - ۱۳- مجله آفاق، ش ۳، تهران، مرداد ۱۳۷۸.
 - ۱۴- مجله افول، ش ۱۳.
 - ۱۵- مجله سازمان دولتی نظارت‌کننده بر نهادهای دینی، ش ۲.
 - ۱۶- مراغی، سید محمد، المراسلات فی الاجازات، بی تا.
 - ۱۷- مرغی، جاسم، مسلمانان جهان، ج ۱.
- 18- Azərbaycan 7-9 əsrlərdə, Ziya Bünyadov, Dövlət nəşriyyatı, Bakı, 1989.
- 19- Azərbaycan ədəbiyyatı, Firudin köçərli, Azərənə şır nəşriyyatı, ilkin çap, 1961.
- 20- Azərbaycan Respublikasının konstitusiyası, Azərbaycan şənriyyatı, Bakı, ilkin çap, 1997.

21- Azərbaycan alimləri, Faiq vəliyev, Əhli beyt nəşriyyatı, ilkin çap, 2002.

22- Qarabağ Münaqişəsinin həlli variantları : İdeyalar və reallıq, Əli Abbasov, Bakı, 2002.

